

جنبشی برای رفاه و آزادی

از خوزستان تا تهران

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

کارگران نفت و گاز عسلیویه، کارگران مترو تهران، کارگران پالایشگاه آبادان، کارگران کارخانه قند و دهها و دهها مراکز کارگری در اعتراض به فقر و فلاکت بیسابقه در جریان است. صفحه ۴

تجمعات اعتراضی بازنشستگان علیرغم یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر برای دومین روز برگزار شد. اعتصاب کارگران هفت تپه علیرغم توطئه های وزارت اطلاعات، شورای اسلامی و جیره بگیران اسدبیگی و

سرنوشت بهم بافته

مجمع عمومی و

اعتراضات جاری کارگری

مصطفی اسدپور

بخش اول: ضرورت یک تشکل پویا و "آموزنده"

اعتراضات کارگری یکی دو ساله اخیر در ایران به طرز آشکاری مهر مجمع عمومی را بر خود دارد. آنچه در سالهای طولانی بعنوان خصلت عصیانی اعتراضات کارگری در ایران شناخته شده است، در عرض مدت کوتاه متحول شده است. سوالات و ابهامات قدیمی تر و تمام حواشی شدنی بودن و یا مطلوبیت مجمع عمومی جای خود را به این سوال داده است که مجمع عمومی کارگری بعنوان ظرف تشکل یابی توده ای کارگری در ایران چگونه میتواند به ابزار قوی برای اتحاد توده هر چه وسیع تر کارگر تبدیل شود؟ این یک سوال واقعی و کاملا موجه است. اگر تا دیروز بخشنامه ضد کارگری مدیریت با مجمع عمومی خودبخودی کارگران روبرو میشد، متعاقبا تصمیم جمعی و همان درجه از تشکل برای چلنج و در بسیاری موارد به عقب راندن کارفرما کفایت میکرد؛ امروز، هم کارگران و هم مجمع عمومی در مقابل مصاف های دشوارتر و پیچیده تری از جانب دولت و سرمایه داران قرار گرفته اند. یک تشکل توده ای کارگری باید بتواند علنی باشد و

اولا، بستر کشمکش های فرساینده و طولانی مدت با کارفرما و دولت قرار بگیرد؛ ثانيا، آمادگی مقابله موثر با حمله نیروهای سرکوب را فراهم کند؛ ... صفحه ۲



روحانی، بازی با کارت سوخته

خالد حاج محمدی

سخنرانی ۱۹ آبان حسن روحانی در یزد و تلاش بی ثمر او برای کسب اعتبار نداشته، با پرچم "مبارزه با فساد"، در میان حکام، دسته و جناحهای آن بحث برانگیز شد و عکس العمل های زیادی را بر انگیخت. روحانی در این سخنرانی تلویحا قوه قضائیه را به باد انتقاد گرفته است. او از رسیدگی نکردن قوه قضائیه به "فساد دانه درشتها" انتقاد کرده است. روحانی اشاره کرده است که: وقتی قوه قضائیه ایران "با فسادهای میلیونی و میلیاردی برخورد میکند" در خصوص "فسادهای میلیارد دلاری هم توضیح دهد". او در عکس العمل به اقدامات قوه قضائیه در این دوره و پرچم "مبارزه" رئیسیتی با فساد و ادعاهای او گفته گرد همایی از جانب حضار با

است: "با بردن چند نفر به دادگاه در خصوص مبارزه با فساد، سر مردم کلاه نمیروند و مردم باید بدانند پولهای بزرگی که از جیب بیتالمال رفته به چه سرنوشتی دچار شده است." سخنان روحانی هر چند هیچ نکته ای جدید در مورد ماهیت جمهوری اسلامی و سران آن و از جمله قوه قضائیه و رئیسیتی نمیگوید، اما چنین اعترافاتی از زبان رئیس دولت و یکی از مهره های اصلی حاکمیت در چهل سال گذشته، بیان دوره ای جدید از تقابل طبقه کارگر و صف استثمار شدگان با بورژوازی ایران و نمایندگان آن از جمله شخص روحانی در حاکمیت است. سخنان روحانی و تلاش او برای آبرو خریدن برای خود و دولتش، در همان گرد همایی از جانب حضار با

صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری



بلکه عمدتا با تجربه به این حکم اعتقاد پیدا نکنند. اعتراض و اعتصاب موفقیت آمیز که خود جز با سطح بالایی از اتحاد و همبستگی بوقوع نمی‌پیوندد، موثرتر از هر استدلالی توده کارگر را به لزوم و ابزار حفظ اتحاد در میان خود متقاعد می‌سازد و این اعتقاد را به شعور عمومی آنان تبدیل کند.

کشمکش دائمی کار و سرمایه مکررا شرایطی را پیش می‌آورد که کارگران ناگزیر باید بطور دست جمعی به اعتراض و عمل مستقیم دست بزنند. وقتی مساله واحدی بطور یکسان در دستور همه قرار بگیرد، بخش مهمی از همبستگی حل شده است. اینجا دیگر به عهده فعالین و رهبران عملی است با اتخاذ تاکتیک و شعارها و روشهای مناسب این حرکت را در دل مصاف‌ها به سمت پیروزی هدایت

دفاع جامعه که توجیه گر نظام موجود و اقتدار و منافع طبقه حاکمه است موجب اشاعه ناباوری به تغییر و تسلیم و لاقیدی هستند. در رابطه با اتحاد میان کارگران باید اضافه نمود که بورژوازی نه صرفا با اتکا به مکانیسم های خودبخودی ناشی از ایئولوژی حاکم بلکه فعالانه به این شکاف‌ها دامن زده و دائما با همه ابزارها علیه اتحاد کارگری عمل میکند. به ایت ترتیب نه فقط ایجاد رشته های اتحاد در میان کارگران مستلزم تلاش و کار جدی است بلکه حفظ پیوندهای فعلا موجود از گزند تعرضات مخرب بورژوازی کار و مبارزه دائمی را طلب میکند. عبارت دیگر هیچ اتحادی بدست آ"ده بدون کار آگاهگرانه کارگران بخودی خود محفوظ نمی‌ماند. برای بازگشت به سرخ اصلی نوشته یعنی مجامع عمومی منظم کارگری باید بر روی یک جنبه مهم حلقه های اتحاد کارگری انگشت گذاشت. اعتقاد به اینکه اتحاد راه نجات کارگران است از راه استدلال تنها میتواند بخش کوچکی از کارگران، یعنی همان بخش آگاه و پیشرو را بخود جلب کند. توده کارگر نه با استدلال صرف

یکپارچه شده باشد. هر اندازه که رشته های همبستگی مستحکم تر باشد قدرتی که نصیب کارگران میشود بیشتر است. این صرفا یک ادعا نیست. هر جا کارگران در مقابل دشمن خود متحد و یک صدا شده باشند تک تکشان این قدرت افسانه ای را با گوشت و پوست خود احساس میکنند. این احساس را همه کارگرانی که در اعتصابات و اعتراضات توده ای شرکت داشته اند تجربه کرده اند. اما احساس شدن این قدرت توسط توده های کارگر پدیده ای موقت و گذراست. به عبارت دیگر کارگر متحد قدرت دارد و اگر بتواند از قدرتش بدرست استفاده کند از هر مبارزه ای پیروز بیرون می‌آید. اما مشکل اینجاست که اتحاد و همبستگی عملی در مبارزه خود بخود بدست نمی‌آید. برای بدست آوردن اتحاد هم مبارزه و کار لازم است. نفس کار مزدی، مجبور بودن کارگران به فروش نیروی کار برای تامین زندگی بین آنها رقابت ایجاد میکند. این اصلی ترین مانع برای تخریب پایه های اتحاد میان کارگران عمل میکند. بعلاوه ایدئولوژی حاکم و مورد

سرنوشت بهم بافته ... برای پاسخگویی به این شرایط لازم است که تشکل کارگری همزمان به توده هر چه بیشتری از کارگران متکی باشد و در عین حال استحکام، انسجام و انعطاف خود را حفظ کند. این دقیقا همان خصوصیاتی است که در مجمع عمومی منظم نهفته است. با منظم بودن مجمع عمومی رهبری تشکل در نزدیک ترین ارتباط ممکن با توده فعالین و اعضا قرار می‌گیرد و همچنین بدنه و رهبری تشکیلات کارگری در یک فعل و انفعال زنده دائما در حال تکامل و انکشاف سازمان خود باشند. اجازه دهید روی این جنبه از کارکرد مجمع عمومی مکث کنیم. همه میدانند که کارگر برای زنده ماندن چاره ای جز مبارزه ندارد و بدون مبارزه این نظام حتی برخوردار از حداقل امکانات معیشت را هم از او مضایقه میکند. کارگر به تنهایی در این مبارزه نه پول دارد، نه قدرت و نه سلاح. برگ برنده کارگر در این مبارزه این است که خود تولید کننده همه ثروت و امکانات جامعه است. اما کارگر زمانی میتواند از این برگ برنده استفاده کند که متحد و

کنند. به این معنا کارگران و تشکل آنها همواره در حال پوست انداختن و تجربه تازه تری از توازن قوا و روشهای کشمکش هستند.

آنچه در تمام این پروسه نقش محوری ایفا میکنند رابطه و دینامیک میان رهبران تشکیلات و توده های کارگر در بدنه تشکل است. مجمع عمومی منظم بنا به تعریف حول این رابطه شکل گرفته است.

در بخش دوم این نوشته مساله ابتکار عمل در مبارزات، مبارزات دفاع و یا تعرضی و سراسری و نقش مجمع عمومی را مورد بحث قرار خواهیم داد.

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

مجمع عمومی تنها نماینده اراده مستقیم کارگران

روحانی، بازی با ...

روحانی با علم به اعتراض میلیونی به فقر و فلاکت، این راه را انتخاب و پرچم "مبارزه" با فساد و قوه قضائیه را برداشته است. مشکل روحانی اینجا است که این کارت سوخته است و سران جمهوری اسلامی از شخص روحانی تا بقیه چنان بی آبرو و مورد نفرت اند، که هیچ دادرسی و از جمله ادعای مبارزه با فساد و فاصله گرفتن از جلد، به داد او نمیرسد. جناب روحانی روی اسب بازنده شرط بندی میکند. کسانی که هم فاسدند و هم شریک جلد، کسانی که چهل سال است نه تنها عاملین دزدی و چپاول، که در تلاش استثمار و بردگی و حفظ این سیستم اند، که در همه توحش و جنایات آن نیز شریکند، نمیتوانند با پرچم مبارزه با فساد و مخفی شدن پشت نفرت مردم از رئیس جنایتکار قوه قضائیه، خود را از خشم طبقه کارگر و مردم محروم برحذر دارند. این تنها روحانی نیست که به عنوان رئیس دولت لب به اعتراف گشوده است. این دوره ما شاهد اعترافات بالاترین مقامات جمهوری اسلامی به دزدی، فساد، چپاول، پرونده سازی و فساد سیاسی بوده ایم. کسی سخنان احمدی نژاد رئیس پیشین دولت را در این خصوص فراموش نکرده است. جنگ و جدال دیروز

صادق لاریجانی با محمد یزدی و افشای گوشه هایی کوچک از دزدی های کلان و چپاول، علیه همدیگر و تهدید به افشاگری های همه جانبه و دزدی های کلان در بالای جمهوری اسلامی، پای شخص اول این مملکت را به میدان آورد تا همه را متوجه وخامت اوضاع کند و آنها را به سکوت دعوت کند. خامنه ای که خطر را نزدیک دید به این دو یار دیرین خود و نظام اعلام کرد: "بر سر یکدیگر کمتر فریاد بکشید. دشمن اصلی را با دوستانی که با آنها اختلاف نظر داریم اشتباه نگیریم." اما اعترافات روحانی و بقیه، بیان یک حقیقت اساسی تر است و آن اینکه، جامعه در ابعاد وسیع و به اشکال مختلف به کل سیستم، به استثمار و بردگی، به فساد سیاسی و اقتصادی، به زندان و قوانین حاکمان و همه پایه های اساسی نظام نه گفته است. صدای این نه گفتن و نفرت عمیق طبقه کارگر و اقشار پایین جامعه، به گوش همه رسیده است. همه خطر عروج طبقه کارگر و صف محرومین را با گوشت و استخوان حس کرده است. مشکل حاکمیت این است که مستقل از اینکه هیچ گروه و جریان و جناحی راه حل و جوابی برای معضلات اصلی جامعه از فقر تا گرانی، بیکاری، استبداد و ...

ندارند، بعلاوه جامعه به همه آنها نه میگوید و هر روز قوی تر و مصمم تر برای پایان دادن به عمر کل این سیستم پا پیش میگذارد. نگرانی رژیم و کل بورژوازی، خطر اتحاد وسیع در جامعه حول عدالتخواهی کارگری است. نگرانی بورژوازی ایران و همه سخنگویان و متفکرین اصلی آن، خطر عروج کارگر متحد و آگاهی است که زمزمه های اتحاد او حول مهمترین مطالبات سیاسی و اقتصادی آن از مراکز صنعتی جوانه داده است و جامعه او را دیده است. بی تردید روحانی و همه سران حاکمیت به این حقایق آگاهند. آنها همراه همه متفکرین بورژوا در تلاشند به هر قیمت و با استفاده از هر امکانی سر طبقه کارگر کلاه بگذارند، دست روی معضلات او بگذارند، از فقر و تهدیدستی، از بی عدالتی و... بگویند تا بتوانند سر

کارگر را زیر گیوتین ببرند. اما دوره این بازی ها گذشته است. جامعه ایران وارد دوره ای تازه از حیات سیاسی خود شده است. دوره ای که هر روز اتحاد و همبستگی طبقه کارگر ابعاد بیشتری پیدا میکند. دوره ای که کارگران در مراکز صنعتی با صدای بلند علیه استثمار و کل سیستم و با افق و آلترناتیو خود پا پیش میگذارند. از تجارب تا کنونی و از همه جدالهای تا امروز خود با بورژوازی، درس گرفته است، صفوف خود را متحد میکند و نیروی طبقه خود را آماده جدال نهایی میکند. بعلاوه امروز بر خلاف ده سال قبل، در تمام دنیا و از جمله در خاورمیانه شاهد عروج جنبشهای انقلابی و اعتراضی هستیم. امروز اعتراض به فقر، بی عدالتی، بی امکاناتی و به جنایت و توحش بورژوازی و دول نماینده اش، بسیاری از

کشورهای جهان را در بر گرفته است. امروز در عراق، لبنان، شیلی، الجزیره و... شاهد اعتراضات میلیونی مردم محروم به حکام جنایتکار، به تقسیم بندی های قومی و مذهبی و به استبداد و بردگی هستیم. جناب روحانی و حکومتش در بخشی از این کشورها همراه با حاکمان فاسد به مصاف طلبیده شده اند. آقای روحانی دیر چرتش پاره شده است. انتخابات شان برای اکثریت بزرگی از مردم ایران، دیگر جایگاهی ندارد. مردم ایران و در راس آن طبقه کارگر انتخاب خود را کرده است. طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه خواهان پایان بردگی، خواهان جامعه ای مرفه، آزاد و امن است. رفتن جمهوری اسلامی اولین قدم در این راه است و امروز چگونگی رفتن اینها و حاکمیت سیاه شان، امر روی میز جامعه است.

به عنوان گام نخست در سازماندهی شورائی کارگران و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان تشکلهای توده ای کارگری، حزب حکمتیست (خط رسمی) خواهان شکل گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجامع عمومی کارگران در کارخانه ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از اینطریق ایجاد هر چه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موثر و یک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری است.

جنبش مجمع عمومی، که باید با فعالیت آگاهانه کارگران کمونیست بر پا شود، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، هم اکنون بدلیل وجود زمینه های مادی بسیار مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد.

(قطعنامه در باره تشکلهای توده ای طبقه کارگر)

شور رفاه، آزادی و امنیت را به پرچم خود تبدیل کنید

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhatRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

این اعتراض میلیونی، این جنبش برای رفاه و آزادی، برای برابری و سعادت همگانی، جنبشی برای رهایی از یوغ استثمار و بردگی است. این جنبش که امروز قدرتمند تر، متحدتر، خودآگاه تر از همیشه پیش می‌رود باید پیروز شود. باید آنرا به پیروزی رساند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) برای به پیروزی رساندن این جنبش، برای دستیابی به رفاه، آزادی و برابری، برای پیروزی انقلاب کارگری، کارگران سوسیالیست، زنان و جوانان آزادیخواه و همه کمونیستها را به متحد و متشکل شدن حول پرچم انقلابی و رادیکال خود فرا میخواند.

زنده باد آزادی، برابری

حزب کمونیست کارگری-حکمتیست (خط رسمی)

۱۳ نوامبر ۲۰۱۹

و به حق انگشت اتهام را به طرف جمهوری اسلامی، بعنوان حکومت سرمایه داران، و ارگانه‌های دست ساز و جاسوسی آنها چون خانه کارگر و شورای اسلامی و روسای آنان، نشانه گرفته اند.

امروز از خوزستان تا تهران میدان مبارزه و جدال کارگران و اقشار محروم و تهیدست بر سر آینده ای مرفه، آزاد، امن، برابر و سعادت‌مند با یکی از فاسدترین، مستبدترین و سیاه ترین حاکمیت‌های قرن است. نه تهدید و سرکوب و نه کمپین‌ها و پزهای تبلیغاتی شان و پاس دادن مسئولیت فقر و فلاکت حاکم در جامعه به جناح رقیب، ذره ای از تقابل این صف میلیونی با کلیت نظام و سیستم کم نمیکنند. مردم برای به زیر کشیدن کلیت سیستم بعنوان یکی از فاسدترین، مستبدترین و سیاه ترین حاکمیت‌های قرن پا به میدان گذاشته اند.

اطلاعیه حزب...

کارگران، فرهنگیان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و مردان آزادیخواهی که نه تنها هیچ درجه از عقب نشینی حاکمیت، هیچ درجه از "همدردی" و مجیزگویی های رذیلانه سران رژیم و پادوهایشان را قبول نمیکنند، که با صدای بلند اعلام میکنند علیرغم سرکوب و یورش و پرونده سازی، مصمم و با عزم و اراده ای محکمتر به مصاف خود با حاکمیت ادامه خواهند داد و تا پیروزی از پا نخواهند نشست!

مردمی که اعلام میکنند برای دستیابی به خواسته‌هایشان نه فقط علیه کارفرما یا مسئولین خرد و بخشی از حاکمیت، که بعلاوه علیه کل سیستمی به پا خاسته اند که مسبب وضعیت فلاکت بار اقتصادی و تعرض لجام گسیخته به معیشت، آزادی و امنیت میلیونها انسان در این جامعه است

سایت آرشیو مجموعه آثار

منصور حکمت

http://hekmat.public-archive.net/

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر. جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست.

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیوندید